

ناکامی اعتصاب رانندگان سوئد و نقش جنبش اتحادیه ای

کمیته هماهنگی (منطقه تهران)

بیست هشتم تیر هشتاد و هفت

اعتصاب کارگران راننده سوئد به اهداف واقعی خود و آنچه که رانندگان در روزهای پیش از شروع اعتصاب اعلام کرده بودند، دست نیافت. تمامی پافشاری کارگران در روزهای نخست اعتصاب این بود که زمان اعتبار قرارداد از ۲۲ ماه بیشتر نشود، در حالی که صاحبان سرمایه بر مدت ۳ سال اصرار داشتند. تأکید رانندگان اتوبوس بر کوتاه تر بودن مدت قرارداد بسیار درست بود. زیرا این کار شروع دورجدیدی از جدال و پیکار با کارفرما برای تحقق افزایش دستمزد مجدد در فاصله زمانی هرچه نزدیک تری را دنبال می کرد. سرمایه داران در مقابل این اصرار کارگران سخت مقاومت می کردند و خواستار طولانی شدن زمان قرارداد بودند. پیداست که این کار دوره رهایی آن ها از خطر موج جدید مبارزات رانندگان را طولانی تر می کرد. اعتصاب در این زمینه خواست توده کارگر را محقق ن ساخت و مفاد قرارداد میان اتحادیه های کارگری و کارفرمایی عملاً همان چیزی است که کارفرمایان می خواستند. از این که بگذریم، میزان افزایش مورد توافق اتحادیه ها نیز کمتر از میزانی است که کارگران مطالبه می کردند. با محاسبه مدت ۳ سال، انتظار کارگران آن بود که در پایان این مدت ۲۴۰۰ کرون افزایش دستمزد داشته باشند، در حالی که قرارداد به ۲۰۸۰ کرون بسنده کرده است. در مورد زمان استراحت رانندگان ظاهراً اصلاحاتی به نفع کارگران صورت گرفته است. اما این تغییرات با شرط و شروط و تبصره گذاری های کارفرمایان محدود شده است. به طور مثال رانندگانی که خطوط ترافیک آن ها از ۵۰ کیلومتر به بالا است از شمول این تغییرات کنار گذاشته شده اند.

اعتصاب یک سلاح نیرومند و بسیار کارآمد جنبش کارگری در مبارزه طبقاتی علیه نظام سرمایه داری است. در اهمیت نقش این سلاح برای طبقه کارگر جای بحثی نیست. اما چگونگی استفاده از آن، تعیین سمت لوله و نوع نشانه روی هایش و این که کدام رویکرد درون طبقه کارگر این جهت و نشانه و هدف را تعیین می کند، همه موضوعاتی هستند که برد و وسعت و درجه کارایی اعتصاب را به گونه ای عمیق و کیفی تحت تأثیر قرار می دهند. جنبش اتحادیه ای در کل موجودیت خود، جنبش مجبورسازی توده های طبقه کارگر به قبول جاوانگی بردگی مزدی و مذاکره با سرمایه داران بر سر بهای بسیار ناچیز نیروی کار است. سلاح اعتصاب تا حد اختلال کامل نظم تولیدی، سیاسی، اجتماعی و کل حیات سرمایه برد دارد. اما همین سلاح در دست اتحادیه ها و سندیکالیست ها صرفاً وسیله ای برای تعیین شرط و شروط دوام و ماندگارسازی شیوه تولید سرمایه داری می شود. اعتصاب در اینجا و در قلمرو سازوکار جنبش اتحادیه ای به طور کلی چنین است و درست به همین دلیل در طول دهه های اخیر به موازات تحولات جاری دنیای سرمایه داری میزان برش و کارایی اعتصابات اتحادیه ای حتی در قیاس با دوره های پیش به شدت دچار فرسودگی و اضمحلال شده است. موضوع را کمی بیشتر باز کنیم.

حدت و وسعت روزافزون تناقضات ذاتی نظام سرمایه داری، آکنده شدن کل جهان از سرمایه، رشد حیرت انگیز بخش

ثابت سرمایه های دنیا در یک سو و کاهش بسیار خیره کننده نیروی کاری که کل سرمایه جهانی را به حرکت در می آورد از سوی دیگر، محدود شدن نسبی هرچه وسیع تر و سهمگین تر تنها سرچشمه تولید ارزش اضافی یعنی نیروی کار در قیاس با سلسله جبال عظیم سرمایه های انباشت شده و تغییرات این نوعی درون رابطه خرید و فروش نیروی کار سبب شده است که به رغم بالا رفتن هر چه پرشتاب تر نرخ اضافه ارزش ها، نرخ سود مطلوب و مورد نیاز سرمایه ها با روند تنزل مواجه شود. سرمایه جهانی در چنین وضعی برای مقابله با این روند، سبانه ترین و بی سابقه ترین تهاجمات را علیه سطح معیشت، حداقل دستمزد و امکانات زیستی کارگران سازمان داده است. این مسئله یا این شرایط تاریخی سرمایه داری، به صورت بسیار طبیعی مکانیسم کار و نقش و حوزه تأثیر جنبش اتحادیه ای را نیز سخت زیر تأثیر قرار می دهد. در نظر بیاوریم که فلسفه وجودی اتحادیه ها متقاعد کردن کارگران به قبول شرایط بازتولید و ماندگاری سرمایه و نظام سرمایه داری و گفتگو با صاحبان سرمایه برای تعیین بهای فروش نیروی کار است. در روزگار ما که سرمایه جهانی برای بقای خود دست به کار سازماندهی هولناک ترین و مرگبارترین تعرضات علیه معیشت و شرایط کار و بهای نیروی کار طبقه کارگر است، جای تعجب نیست اگر اتحادیه ها نیز در راستای ایفای نقش واقعی و قراردادی خود به قول معروف جاده صاف کن و هموارساز راه این تهاجمات باشند. این واقعیتی است که در جوامع مختلف و در هرکجا که اتحادیه های کارگری وجود دارند به تمام و کمال اتفاق افتاده است. کسانی که اخبار مندرج در این سایت و خبرنامه های منتشر شده آن را دنبال کرده باشند، خواهند دید که اولاً اتحادیه ها در سراسر دنیا با همه توان خود برای جلوگیری از وقوع اعتصابات تلاش می کنند و ثانیاً بخش اعظم اعتصابات کارگری که مورد توافق اتحادیه ها قرار می گیرد یکی پس از دیگری به شکست منجر می شوند. در طول چند سال اخیر به ندرت اعتصابی در اروپای غربی و شمالی رخ داده است که تحقق مطالبات نازل کارگران را به دنبال آورده باشد. اعتصاب معلمان و کارگران شهرداری های نروژ در ماه گذشته بار بدترین شکست ها را تحمل کرد، شکست اعتصابات کارگران پرستار در سوئد شکست قرن نام گرفت. اعتصابات کارگران انگلیس قادر به تحمیل مطالبات ابتدایی خود بر صاحبان سرمایه نشد. اعتصابات کارگران فرانسه به همین سرنوشت دچار شد. فهرست اعتصابات شکست خورده بسیار طولانی است. در تمامی این موارد اتحادیه های کارگری نقش مهمی را در بی نتیجه ماندن اعتصابات و به شکست کشیده شدن آن ها ایفا کرده اند. اتحادیه ها همان گونه که گفتیم در وهله نخست تمام قوای خود را برای جلوگیری از وقوع اعتصاب به کار می گیرند و در مراحل بعد هنگامی که زیر فشار موج خشم و قهر کارگران مجبور به اعلام اعتصاب می شوند با هزاران ترفند و به صورت سازمان یافته و برنامه ریزی شده دست به کار عقیم شدن و شکست مبارزات کارگران می شوند. در نروژ کوشیدند تا کارگران را به قبول شروط اتحادیه کارفرمایان متقاعد سازند و هنگامی که با موج مخالفت کارگران مواجه شدند در پشت درهای بسته قرارداد پایان اعتصاب را با نمایندگان کارفرمایان امضا کردند. اعتصاب با همه وسعت آن هیچ بخش قابل توجهی از خواسته های کارگران را محقق نساخت. در مورد کارگران مراکز درمان سوئد توافق نامه اتحادیه های کارگری و کارفرمایی هنگامی به امضای طرفین رسید که همه پرستاران از ناچیز بودن دستاوردهای چندین هفته اعتصاب خود سخت شگفت زده شده بودند. در شرایطی که جنبش اتحادیه ای نقش عصای زیر بغل سرمایه را در نواختن مرگبارترین شلاق ها بر کرده مبارزات کارگران بازی می کند، سرنوشت اعتصابات کارگری محصور در چهارچوب سیاست و برنامه ریزی اتحادیه ها بهتر از این نمی تواند داشته باشد. توده های کارگر

اگر قرار است شکست پشت سر شکست را تحمل نکنند، اگر قرار است مطالبات خود را با قدرت پیکار طبقاتی شان بر سرمایه تحمیل کنند، اگر قرار است اعتصاب را به صورت سلاحی کارآمد علیه نظام سرمایه داری به کار گیرند، باید دست رد بر سینه جنبش اتحادیه ای بزنند. آن ها باید دست به کار برپایی شوراهای سراسری ضد سرمایه داری و اعمال قدرت متحد شورایی علیه سرمایه و دولت های سرمایه داری شوند.

ژوئیه ۲۰۰۸

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

اعتصاب کارگران اتوبوس ران سوئد با موفقیت به پایان رسید*

در ادامه مذاکره بین نمایندگان کارگران با کارفرما، دیروز سه شنبه ساعت ۱۰ شب ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۸، با عقد قرار داد ۳ ساله به نشست خود خاتمه دادند. بنابراین اعتصاب کارگران به پایان رسید. تا آنجاییکه به محتوای عقد قرار داد فوق برگردد، خواست های کارگران بیش از ۹۰٪ به کارفرما تحمیل شده است. در این رابطه می توان به تحمیل ۱۱ ساعت استراحت، ۱۳ ساعت کار، افزایش دستمزد به میزان ۱۰/۴ درصد به مدت سه سال و از سوی دیگر به تغییر چشمگیر شرایط کار و استخدام و امنیت شغلی برای اتوبوس رانان اشاره کرد. قابل ذکر است که این قرار داد تبصره های نیز دارد. این تبصره ها عبارتند از: ۱۱ ساعت استراحت و ۱۳ ساعت کاری که شامل مسیرهای بیشتر از ۵۰ کیلومتری گردد. شایان اشاره است که کارگران اعتصابی از نتایج اعتصاب خوشحال می باشند و آن را گامی به جلو و موفقیت آمیز تلقی می کنند. درخاتمه من بعنوان یک کارگر اعتصابی از همگی هم سرنوشتانی که به عناوین مختلف به ما یاری رساندن، بخصوص از تلویزیون کومهله، سایت اتحاد کارگری و اتحاد بین المللی برای کمک به کارگران ایران- سوئد از صمیم قلب قدردانی می کنم.

عباس گوپلی - عضو هیئت رئیسه کلوب کارگری ۳۴

۱۶ ژوئیه ۲۰۰۸

سایت اتحاد کارگری

<http://www.etehad.se>

*گزارش لحظه به لحظه (کامل) اعتصاب کارگران اتوبوس ران سوئد در قسمت گزارشات درج شده است. (افق روشن)